

\*مؤمن، حقیقت ایمان را درک نمی کند مگر آن که 3 خصلت را دارا باشد: خصلتی از خداوند، که کتمان اسرار افراد باشد، خصلتی از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله که مدارا کردن با مردم باشد، خصلتی از ولی خدا که صبر و شکیبائی در مقابل شدائد و سختی ها را داشته باشد.

\*هرکس مشکلی از مؤمنی را بر طرف نماید و او را خوشحال سازد، خداوند او را در روز قیامت خوشحال و راضی می گرداند.

### شاخص های جنگ روانی:

درحال حاضر در رأس و اولویت همه برنامه های استکبار جهانی علیه ملت و نظام اسلامی ایران جنگ روانی قرار دارد. و همین امر حکم می کند که مردم اهداف، تاکتیکها و روش های دشمنان را درجنگ روانی به دقت مورد مطالعه و شناخت قراردهند. تا بتوانند راهکارهای مقابله با آنها را به خوبی اتخاذ و عملیاتی سازند. در اینجا به مهمترین شاخص های جنگ روانی دشمنان به شرح زیر اشاره می کنیم:

#### 1- ارباب مسؤولین، نخبگان و مردم

مقام معظم رهبری در بیان مفهوم و هدف جنگ روانی می فرمایند: «جنگ روانی یعنی چه؟ هدف جنگ روانی، مرعوب کردن است. کی را می خواهند مرعوب کنند؟ ملت که مرعوب نمی شود، توده عظیم مردم که مرعوب نمی شوند. چه کسی را می خواهند مرعوب کنند؟ مسئولان را، شخصیت های سیاسی را، به قول معروف خود ما نخبگان را، اینها را می خواهند مرعوب کنند. کسانی که قابل تطمیعند، آنها را می خواهند تطمیع کنند، اراده عمومی را می خواهند تضعیف کنند، درک مردم از واقعیت های جامعه خودشان را می خواهند تغییر دهند. هدف جنگ روانی این است...»

#### 2- تبلیغات منفی

مهمترین ابزاری که دشمنان اسلام در جنگ روانی از آنها استفاده می کنند. تبلیغات گسترده از طریق نشریات، کتاب ها، سخنرانی ها و رسانه های گروهی اعم از داخلی و خارجی است. تبلیغات در دنیای امروز یعنی کوشش کم و بیش سیستماتیک که هدف نهایی آن شکل دادن به عقاید، نگرش و رفتار مردم درجهت خاصی است که مورد نظر دستگاه تبلیغاتی می باشد» پس درجنگ روانی، هدف این است که درعقاید، احساسات، گرایشها و تفکرات، تغییر ایجاد کنیم که این خود باعث تغییر در ساختار شخصیتی و رفتار افراد خواهد شد که البته این امر برپایه تبلیغات استوار است.



### 3- شایعه پراکنی

شایعه، ادعای مشخصی است که جهت برانگیختن باور مخاطبین به کار می رود، و دهان به دهان از فردی به فرد دیگری منتقل می گردد و در عین حال فاقد هرگونه سند و مدرک مطمئن می باشد.

اهداف ایجاد و ترویج شایعه عبارتند از:

(الف) ایجاد بدبینی نسبت به نظام و مسئولین

(ب) افزایش نگرانی و اضطراب در مردم

(ج) ترور شخصیت و لکه دار کردن قداست ارزشها، مسئولین و نظام

(د) ایجاد فضای ناسالم اجتماعی

(ه) ایجاد تفرقه در میان مردم ، جهت از بین بردن وحدت و یگانگی

نکته مهم در شایعه پراکنی دشمن این است که دشمن حتماً درپی نتیجه آن نخواهد بود زیرا که با ایجاد شایعه، افکار را به سمت مسائل غیر ضروری سوق می دهد.

مقام معظم رهبری در این زمینه می فرمایند:

«اینکه مردم به دولت و مسئولان نشان اعتماد داشته باشند برای یک کشور خیلی نعمت بزرگی است. می خواهند این نعمت را بگیرند و مردم را بی اعتماد کنند. هم به خودشان، هم به مسئولینشان، مردم را با شایعه، به تحریم و خشونت تهدید میکنند.»

### حسن ختام:

یک عمر به دلدادگی یار نشستیم هر جمعه به سر شد به هلال رخ ماهش  
در عطر گلستان ولایت همه در حسرت دیدار  
در دایره عشق مگر منتظران را نظری نیست  
این برکه ی بی آب نه جولان گه ما هست  
ما چشم نداریم بجز در گه پر فیض ربوبی  
ما منتظر مقدم یار و قدمش منتظر ما  
یا رب مددی کن که این عشق نمیرد  
یاران به وصالش نرسیدند ولی نیک رهیدند  
یاران ، به خود آییم و نگاهی بخود آریم  
افسوس و دریغا به وصالش نرسیدیم  
هیبت بجز حسرت و زاری نچشیدیم  
عمری به صفای گل نرگس چو هزاریم  
ما را نظری کن که گرفتار سراییم  
ما ماهی دریای فرج تشنه ی آییم  
یا رب فرجی کن که بسی غرق گناهیم  
من در عجبم تا به کجا در تب و تالیم  
گر عشق بمیرد همه در دام فنا آییم  
ما در چه مرامیم نه اینیم و نه آنیم  
این وصل نشاید که تا ما ، من و ماییم

اللهم عجل لولیک الفرج

\*\*\*\*\*

<http://basij.um.ac.ir>  
[basij-k@wali.um.ac.ir](mailto:basij-k@wali.um.ac.ir)

منتظر نظرات شما عزیزان هستیم.  
پایگاه مقاومت بسیج شهید مطهری



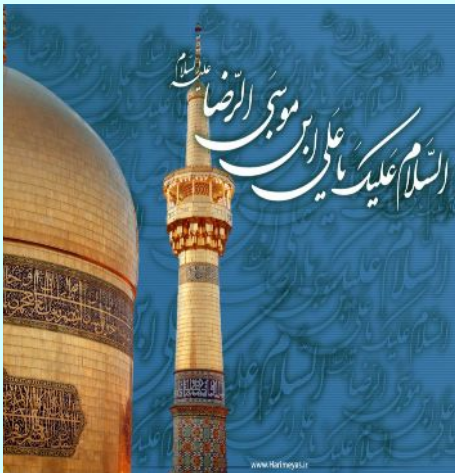
# اندیشه مطهر

شماره 32

پایگاه مقاومت شهید مطهری

دانشگاه فردوسی

آبان 88



دهه گرامت و ولادت هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت،

آقا امام رضا علیه السلام مبارکباد

بارالها! در پیشگاه تو ایستاده‌ام، و دست‌هایم را به سوی تو بلند کرده‌ام، آگاهم که در بندگی‌ات کوتاهی نموده و در فرمانبری‌ات سستی کرده‌ام، اگر راه حیا را می‌پیمودم از خواستن و دعا کردن می‌ترسیدم... ولی ...

پروردگارا! آن گاه که شنیدم گناهکاران را به درگاهت فرا می‌خوانی، و آنان را به بخشش نیکو و ثواب وعده می‌دهی، برای پیروی ندایت آمدم، و به مهربانی‌های مهربان‌ترین مهربانان پناه آوردم. و به وسیله پیامبرت که او را بر اهل طاعتت برتری داده، و اجابت و شفاعت را به او بخشیدی، و به وسیله برترین زن، و به فرزندانش، که پیشوایان و جانشینان اویند، و به تمامی فرشتگانی که به وسیله اینان به تو روی می‌کنند، و در شفاعت نزد تو، آنان را که خاصان درگاه تویند، وسیله قرار می‌دهند، به تو روی می‌آورم. پس بر ایشان درود فرست، و مرا از دلپره ملاقاتت در امان دار، و مرا از خاستان و دوستانت قرار ده، پیشاپیش، خواسته و سخنم را آنچه سبب ملاقات و دیدن تو می‌شود قرار دادم اگر با این همه، خواسته‌ام را رد کنی، امیدهایم به تو به یأس مبتدل می‌گردد، همچون مالکی که از بنده خود گناهانی دیده و او را از درگاهش رانده، و آقایی که از بنده‌اش عیوبی دیده و از جوابش سر باز می‌زند. وای بر من اگر رحمت گسترده‌ات مرا فرانسگیرد، اگر مرا از درگاهت برانی، پس به درگاه چه کسی روی کنم؟ اما... اگر برای دعایم درهای قبول را گشوده، و مرا از رساندن به آرزوهایم شادمان گردانی، چونان مالکی هستی که لطف و بخششی را آغاز کرده، و دوست دارد آن را به انجام رساند، و مولایی را مانی که لغزش بنده‌اش را نادیده انگاشته و به او رحم کرده است. در این حالت نمی‌دانم کدام نعمت را شکر گزارم؟ آیا آن هنگام که به فضل و بخشش از من خشنود شده، و گذشته‌هایم را بر من می‌بخشایی؟ یا آن گاه که با آغاز کردن کرم و احسان بر عفو و بخشش می‌افزایی؟

پروردگارا! خواسته‌ام در این جایگاه، یعنی جایگاه بنده فقیر نامید، آن است که: گناهان گذشته‌ام را ببامزری، و در باقیمانده عمرم مرا از گناه بازداری، و پدر و مادرم را که دور از خانه و خانواده و غریبانه در زیر خاک‌ها خفته‌اند، ببخشی. تنهایی‌شان را با انوار احسانت از بین ببر، و وحشتشان را با نشانه‌های بخشش به انس بدل کن، و به نیکوکارشان دم به دم نعمت و شادمانی بخش، و به گناهکارشان مغفرت و رحمت عطا کن، تا به لطف و مرحمتت از خطرات قیامت در امان باشنند، به رحمتت در بهشت ساکنشان گردان، و بین من و آنان در آن نعمت گسترده شناسایی برقرار کن، تا مشمول شادمانی گذشته و آینده شویم.

آقایم! اگر در کارهایم چیزی سراغ داری که مقامشان را بالا می‌برد و بر اکرامشان می‌افزاید، آن را در نامه اعمالشان قرار ده، و مرا در رحمت با آنان شریک کن، و آنان را مشمول رحمتت بگردان، همچنان که مرا در کودکی تربیت کردند.

مشهور است که به هنگام ورود حضرت رضا (ع) به نیشاپور طالبان علم و محدثان دور محفه (بارگیر بی قبه، از ادوات سفر برای بار نهادن در آن / فرهنگ دهخدا) آن حضرت که بر استری نهاده بود جمع شدند. و از ایشان خواستند که حدیثی بر آنها املا فرماید. حضرت حدیثی بطور مسلسل از آباء طاهیرین خود رسول الله (ص) و جبرئیل از قول خداوند روایت کرد که « کلمه لا اله الا الله حصنی و من دخل حصنی امن من عذابی» یعنی کلمه توحید با لا اله الا الله حصار و با روی مستحکم من است و هر که بدون حصار من رفت از عذاب من در امان مانده. این حدیث به جهت مسلسل بودن آن از ائمه اطهار (ع) تا حضرت رسول (ص) به سلسله الذهب معروف شده است. و درباره اینکه چرا آن حضرت این حدیث را املا فرمود باید گفت که آن نوعی دعوت به وحدت کلمه و اتفاق بوده است زیرا اساس و مدخل آن این کلمه است که معتقدان به خود را از هرگونه تشویش و عذابی در امان می‌دارد و مسلمانان باید با توجه به آن در درون حصار و باروی اسلام از اختلاف کلمه بپرهیزند و مدافع آن حصن در برابر تهاجم خارجی باشند و از دشمنی و مخالفت بر سر مسائل فرعی دوری گزینند.

### رام شدن درندگان در برابر امام رضا علیه السلام:

قضیه زینب کذاب مورد اتفاق ناقلان شیعه و سنی است و گوشه‌ی از عظمت و مقام والی امامت و ولایت تکوینی را به نمایش می‌گذارد. در نقل این جریان اختلافاتی وجود دارد که به اصل آن لطمه وارد نمی‌کند. اختلاف در این است که یا این جریان در دوران امام رضا (ع) رخ داده یا امام هادی (ع).

در خراسان زنی به نام زینب ادعا می‌کرد که علوی و از نسل فاطمه زهرا (س) است. این خبر به امام رضا (ع) رسید. امام آن زن را احضار کرد و علوی بودن وی را تأیید نفرمود. آن زن امام را مسخره کرد و با کمال بی‌ادبی به امام گفت: تو نسب مرا زیر سؤال بردی، من نیز نسب تو را زیر سؤال می‌برم. در آن دوران سلطان مکانی داشت که در آن درندگان بودند. آن مکان برای انتقام گرفتن از مفسدان و مجرمان بود. امام رضا (ع) آن زن را نزد سلطان حاضر کرد و فرمود: این زن دروغ‌گوست و بر علی و فاطمه دروغ می‌بندد و از نسل این دو نیست. اگر این زن راست گفته و پاره تن فاطمه و علی باشد، بدنش بر درندگان حرام است. پس او را در میان درندگان بیندازید. اگر راستگو باشد، درندگان به وی نزدیک نمی‌شوند و اگر دروغگو باشد، وی را می‌درند. وقتی که زینب کذاب این سخن را شنید، پیش دستی کرد و به امام گفت: اگر راست می‌گویی، خود تو داخل این گودال شو. امام نیز بی‌هیچ سخنی وارد گودال شد. مردم و سلطان از بالا نظاره‌گر بین جریان بودند. زمانی که امام وارد گودال شد، گویا درندگان رام شدند و یک یک نزد امام آمدند و دم‌های خودشان را به نشانه تسلیم در برابر امام به زمین گذاشتند و دست و پا و صورت امام را بوسیدند. امام از آنجا بیرون آمد و سلطان دستور داد تا زن را داخل گودال بیندازند. زن امتناع کرد. سلطان دستور داد تا وی را داخل گودال بیندازند و طعمه درندگان شود. بعدها این زن در خراسان به زینب کذاب مشهور شد. مسعودی معتقد است: این قضیه بری امام هادی اتفاق افتاده است. با این حال این واقعه به تعبیر اهل سنت، خبر مشهور نزد شیعه است. بزرگان اهل سنت از جمله ابن حجر هیثمی این قضیه را از بعضی حفاظ اهل سنت نقل کرده و ابو علی عمر بن یحیی علوی نیز این جریان را قطعی دانسته و نقل آن از طریق اهل سنت را تأیید کرده است.

حضرت معصومه سلام الله علیها از بانوان کم‌نظیر تاریخ است که در نهایت زهد، تقوا و پرهیزکاری زیست و زینده‌ترین فضایل اخلاقی از او به یادگار مانده است. ایشان دارای شخصیتی رفیع و والا مقام است به طوری که ائمه طاهیرین از این بانو، با جلال و تکریم یاد کرده‌اند. یکی از عالی‌ترین نمونه‌های عبادت و بندگی خدا از خاندان ولایت و امامت، کریمه اهل بیت فاطمه معصومه است. او با عبادت و شب زنده‌داری هفده روزه‌اش در آخرین روزهای عمر شریف خود در مدت اقامت در منزل موسی بن الخزرج، گوشه‌ای از یک عمر عبودیت و خضوع و خشوع آن زاده عبد صالح خدا در برابر ذات پاک الهی را به نمایش گذاشت. از ویژگیهای حضرت معصومه این بود که از علوم اسلام و آل محمد به خوبی آگاه بود و آن حضرت از جمله روایت کنندگان حدیث بود و چندین حدیث است که در سند آن ها نام حضرت فاطمه معصومه (س) به چشم می‌خورد. مقام عصمت که عالی‌ترین مقام معنوی و پاکی است، درجاتی دارد، و در وهله اول بر دو گونه است: معصوم از خطا، معصوم از گناه. حضرت فاطمه معصومه مظهر فضایل و مقامات است. روایات معصومان (ع) فضیلت ها و مقامات بلندی را به آن حضرت نسبت می‌دهند. حضرت معصومه از جمله بانوان گرانقدر و والا مقام جهان تشیع است و مقام علمی بلندی دارد. نقل شده که روزی جمعی از شیعیان، به قصد دیدار حضرت موسی بن جعفر (ع) و پرسیدن پرسش هایی از ایشان، به مدینه منوره مشرف شدند. چون امام کاظم در مسافرت بود، پرسش های خود را به حضرت معصومه که در آن هنگام کودکی خردسال بیش نبود، تحویل دادند. فردای آن روز برای بار دیگر به منزل امام رفتند، ولی هنوز ایشان از سفر برنگشته بود. پس به ناچار، پرسش های خود را باز خواستند تا در مسافرت بعدی به خدمت امام برسند، غافل از این که حضرت معصومه جواب پرسش ها را نگاشته است. وقتی پاسخ ها را ملاحظه کردند، بسیار خوش حال شدند و پس از سپاسگزاری فراوان، شهر مدینه را ترک گفتند. از قضای روزگار در بین راه با امام موسی بن جعفر مواجه شده، ماجرای خویش را باز گفتند. وقتی امام پاسخ پرسش ها را مطالعه کردند، سه بار فرمود: پدرش فدایش .



### حضرت فاطمه معصومه(س) به نقل از حضرت فاطمه زهرا(س) فرمود:

انسیتیم قول رسول الله(ص) یوم غدیرخم: من کنت مولاة فعلی مولاة وقوله (ص): انت منی بمنزله هارون من موسی(ع)  
آیا فراموش کردید سخن رسول خدا را که در روز غدیرخم فرمود: من مولای هر که هستم، علی هم مولای او است. و فرمود: (تو(علی) برای من مانند هارون برای موسی هستی.